

یادداشت روز

مأموریت‌های فیلمخانه

لادن طاهری - مدیر فیلمخانه ملی

● در منابع مربوط به تاریخ سینما نقل شده است که ۹۰ درصد فیلم‌های صامت تاریخ سینمای آمریکا که تا پایان دهه ۱۹۲۰ تولید شده‌اند، ۵۰ درصد فیلم‌های ناطق آمریکایی که تا پایان دهه ۱۹۴۰ ساخته شده‌اند و نزدیک به ۵۰ درصد از مجموعه فیلم‌های نیرتاری آرشئو سینما تک فرانسه، به‌دلیل بی‌مالاتی یا بی‌توجهی در حفظ و نگهداری، دیگر در اختیار علاقه‌مندان و پژوهشگران نیستند؛ با کم شده‌اند، یا مشمول تاراج ایام شده و نابود شده‌اند و به هیچ کوششی جایگزینی برای آنها پیدا نخواهد شد. متخصصان حرفه نگهداری فیلم با تاسف و معتنقند به دلیل ماهیت شیمیایی فیلم، در بهترین شرایط نگهداری نیز نمی‌توان از آسیب‌دیدگی و شروع روند تجزیه آنها به‌طور قطعی جلوگیری کرد. فیلم‌ها گنجینه فیلمخانه ملی ایران نیز از این قاعده مستثنا نیستند. از آنجایی که غالب فیلم‌های فیلمخانه ملی ایران در سال‌های گذشته از انبار استودیوها و آرشیوهای خصوصی تهیه و به مخازن فیلمخانه ملی ایران منتقل شده است، پاره‌ای از این کپی‌های نمایشی، به دلیل نگهداری در شرایط نامطلوب دچار تخریب فیزیکی شده‌اند. فیلمخانه ملی ایران در طول سال‌ها در تلاش بوده با فراهم‌کردن شرایطی مناسب که مهم‌ترین آنها استانداردسازی مخازن نگهداری فیلم است به صیانت از میراث ملی کشور بپردازد. نگهداری از فیلم‌ها در محفظه‌های فلزی برای جلوگیری از ورود گردوغبار و رطوبت، کنترل دستگاه‌های نمایش فیلم برای جلوگیری از آسیب‌رسیدن به آنها، تنظیم نور و حرارت، دور نگهداشتن فیلم‌ها از تشعشعات، هوادهی و بازبینی ادواری و زدودن چربی‌هایی که بر اثر مستورماندن طولانی‌مدت فیلم‌ها زیر لایه‌های زرد و از همه مهم‌تر زیر توده عظیم چهل و نادانی در گوشه و کنار به‌وجود آمده بودند، از دیگر اقدامات فیلمخانه ملی ایران برای محافظت از فیلم‌های تاریخ سینمای ایران بوده است. در کنار ایجاد مخازن مناسب، با راه‌اندازی مجدد لابراتوار فیلم سازمان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که متحصرا به تعمیر، مرمت و چاپ نسخه جدید و احیاشده از فیلم‌های ارزشمند سینمای ایران که در فیلمخانه ملی ایران نگهداری می‌شوند، اختصاص دارد، بسیاری از فیلم‌ها از خطر نابودی نجات پیدا کردند. در ادامه، با ورود فناوری دیجیتال و انتقال دانش فنی آن به کشور، باوجود همه نوابلی، این امکان فراهم شده است که با ترمیم و بازسازی دیجیتال فیلم‌ها، از نابودی آنها جلوگیری شود. بدیهی است به دلیل حجم گسترده مواد تصویری موجود و محدودیت امکانات فنی و نیروهای متخصص در بخش خصوصی و همچنین به دلیل مدت‌زمان طولانی و هزینه بالایی که برای احیای فیلم‌ها به شیوه نوین (دیجتال) لازم است این روند متأسفانه آن‌طور که باید شتاب لازم را ندارد. به همین سبب فیلمخانه ملی ایران در کنار مرمت دیجیتال، به روال سابق به چاپ نسخه‌هایی از فیلم‌ها ادامه می‌دهد تا با استفاده از نسخه‌های جدیدتر، احیای آنها، با تجهیزات و امکانات پیشرفته‌تری که قطعا به وجود خواهد آمد، آسان‌تر شود. خاطرنشان می‌شود تاکنون همه توان، فکر و اندیشه عصر آتالوک و دیجیتال به کار گرفته شده‌اند تا اسناد دیداری و شنیداری ملی تا این مرحله از تاریخ حفظ شوند. بدیهی است از این مرحله به بعد سرعت بیشتری لازم است تا این گنجینه بارز ش عمر طولانی‌تری پیدا کند.



● شرق: نکوداشت هوشنگ کاظمی، طراح گرافیک و پایه‌گذار دانشکده هنرهای تزئینی، در فرهنگسرای ارسباران برگزار می‌شود. در این مراسم که روز دوشنبه، ۱۸ آبان در فرهنگسرای ارسباران برگزار می‌شود، محسن وزیریمقدم، قباد شیوا، محمدرضا اصلانی و آرش تنهایی سخنرانی می‌کنند. همچنین فیلمی از زندگی کاظمی به کارگردانی هومن حسنی به نمایش درمی‌آید که در آن محسن وزیریمقدم، پرویز تناولی، عباس مشهدی‌زاده، کامران افشارمهجارچر و... به ذکر خاطرات و مرور ابعاد شخصیتی و حرفه‌ای او پرداخته‌اند. در حاشیه این مراسم نمایشگاهی نیز از آثار، اسناد و عکس‌های هوشنگ کاظمی همراه با پوسته‌های تعدادی از طراحان گرافیک به نمایش گذاشته می‌شود و تا ۲۰ آبان ادامه دارد. علاقه‌مندان برای شرکت در این برنامه می‌توانند ساعت ۱۶ الی ۱۹ روز دوشنبه ۱۸ آبان به فرهنگسرای ارسباران در خیابان شرعیتی، بالاتر از سیدخندان، خیابان جلفا مراجعه کنند.

شرق: کارگردان «دایی‌جان ناپلئون» و «ناخداخورشید» در مراسم افتتاح یک تئاتر صریحا اعلام کرد سینما و موسیقی سال‌هاست درجا می‌زنند اما تئاتر، زنده‌ترین و فعال‌ترین هنر ایران است. در آیین افتتاح نمایش «برنارد، مرده است» به کارگردانی علی سربای که شامگاه ۱۱ آبان‌ماه با حضور جمعی از هنرمندان و علاقه‌مندان به هنرهای نمایشی در تماشاخانه ایرانشهر برگزار شد و اجرای آن را مسعود فروتن برعهده داشت، علی سربای، کارگردان و بازیگر نمایش، ضمن اظهار خرسندی از حضور حاضران در این مراسم گفت: «هفت‌سال پیش مشهود محسنیان که رمان «گرگ‌ها» نوشته دو نویسنده فرانسوی «پیر کوالو» و «نارس ژاک» را به من معرفی کرد، نویسنده‌گانی که در ایران شاید چندان شناخته‌شده نباشند اما در اروپا بسیار نام‌آشنا هستند و کارهایشان اقتباس‌های زیادی انجام شده است که معروف‌ترین آنها فیلم سینمایی «سرگیجه» هچیکاک است. من آن را خواندم و براساس آن اقتباسی انجام دادم. به نظر من این رمان از قابلیت بسیار خوبی برای تبدیل‌شدن به نمایش‌نامه و حتی فیلم سینمایی برخوردار است». در ادامه مراسم، نوت

گفت‌وگو با علی رهبری پس از نامه‌نگاری به روحانی

زنگ خطر ارکستر به صدا در آمد



سحر آزاد: پس از نامه تعدادی از خوانندگان پاپ به رئیس‌جمهور که خواستار رسیدگی به مشکلاتشان شده بودند، علی رهبری هم برای رسیدگی به مشکلات ارکستر سمفونیک تهران به حسن روحانی نامه نوشت. احیای ارکستر موسیقی ملی و ارکستر سمفونیک تهران یکی از وعده‌های حسن روحانی در هنگام انتخابات ریاست‌جمهوری بود هرچند این دو وعده محقق شد و ارکستر سمفونیک تهران پس از سه‌سال سکوت در اسفند سال گذشته با اجرای سمفونی ۹ پتهوون آغاز به کار کرد اما در نامه‌ای که رهبری روز گذشته، ۱۳ آبان منتشر کرد، بار دیگر چراغ‌های هشدار برای این ارکستر ۸۰ ساله کشور روشن شد. رهبری در این نامه عنوان کرده است: «شرایط مالی، به‌وضوح این ارکستر را در تنگنا قرار داده چنان‌که ارکستری که در مدت کمتر از شش‌ماه لیاقت و کیفیت کاری‌اش را به همگان اثبات کرده و به شهرت رسیده مجددا در معرض فروپاشی قرار گرفته، ناگزیر اینجانب به نمایندگی از ارکستر سمفونیک تهران، جز به درگاه آن ریاست محترم پناهی نجسته است.» به همین دلیل گفت‌وگوی کوتاهی با او انجام دادیم:
● چطور شد تصمیم گرفتید به رئیس‌جمهور نامه بنویسید؟
بیینید ارکستر هنوز تعطیل نشده است اما در این مدتی که ارکستر فعال بوده، آن‌قدر برنامه مهم پیش آمد که من فکر می‌کنم این پیشرفت‌ها زودتر از برنامه‌های اداری مدیریت هنری وزارت ارشاد بود و آمادگی برنامه‌های بزرگ را نداشتند. باین‌حال بودجه‌ای که قرار بود در اختیار ما قرار بگیرد مدت‌ها ...

● منظورتان همان ۴۰۰ میلیارد تومان است؟

رقم دقیق آن را نمی‌دانم. از آقای جمالی (مدیر عامل بنیاد رودکی) شنیدم میزان بودجه‌ای که برای ارکسترها پیش‌بینی شده، نصف شده و به‌این‌ترتیب بعد از شش‌ماه فعالیت خوب و زیادی که انجام دادیم، شکست خوردیم چراکه من به دلیل رابطه‌های دوستانه‌ای که با هنرمندان خارجی دارم و با تمام صرفه‌جویی‌هایی که در برنامه‌ریزی ارکستر پیش‌بینی کرده بودم، توانستم سولیت‌های بزرگی را برای همکاری به ایران دعوت کنم اما حالا با مشکل مالی روبه‌رو شده‌ایم و اجرای این برنامه‌ها از دست می‌رود یا اینکه ما جشنواره موسیقی در اتریش دعوت شده بودیم که قرار بود رئیس‌جمهور این کشور هم در آن حضور داشته باشد اما حالا مجبور به لغو این برنامه شده‌ایم چون گفته شده است که هزینه لازم برای گرفتن بلیت هواپیما برای ارکستر وجود ندارد. آمدن من به ایران تنها یک انگیزه دارد: دو دوستار موسیقی ایران هستم و می‌خواهم به آن توجه شود. ۱۲۰ نوازنده‌ای که درحال‌حاضر در ارکستر سمفونیک فعالیت می‌کنند، آبروی من هستند و من نسبت به آنها احساس مسئولیت می‌کنم. با توجه به نصف‌شدن بودجه ممکن است ما در آذرماه و شکست نشویم اما با این وضعیت در دی، اسفند یا فروردین این اتفاق خواهد افتاد. من از روی بیچارگی و ناچاری به رئیس‌جمهور نامه نوشتم. تمام ارکسترهایی که من مدیر آنها بوده‌ام، زیر نظر پادشاه، رئیس‌جمهور یا شهرداری بوده‌اند. درواقع می‌خواهم بگویم بودجه‌ای که نصیب این ارکسترها می‌شد از سوی بالاترین‌مقام‌های یک کشور هویت حمایت می‌شود. ضمن اینکه کسی هم با حرف‌هایش باعث لغو کنسرت‌هایمان نمی‌شد. الان ارکستر سمفونیک از دو نظر دارای مشکل است. مسئله اول از نظر حرفه‌ای است که می‌توان گفت مشکل اداری محسوب می‌شود و مشکل دوم از نظر مالی است. من به رئیس‌جمهور نامه نوشتم تا تکلیف ما را روشن کند. حالا که ارکستر به جای خوبی رسیده

ناصر تقوایی در مراسم افتتاح یک تئاتر:

سینما سال‌هاست در جا می‌زند

ناصر تقوایی، فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان نامدار سینمای ایران، بود که به‌عنوان میهمان ویژه این نمایش، با ارائه سخنانی در مورد کلیات تئاتر بگوید: «بعد از انقلاب، تئاتر زنده‌ترین و فعال‌ترین هنر ایران بوده است. سینما و موسیقی درجا زده‌اند اما تئاتر در این سال‌ها مسیر روبه‌رشدی را طی کرده است. این رشد چه در شکل‌گیری متن‌های اقتباسی و چه در نمایش‌نامه‌های تالیفی بوده است. سال‌هاست که منتظریم این هنر بتواند در سطح وسیع‌تری اجرا شود». کارگردان «چای تلخ» همچنین با تأکید بر نقش تالیف گفت: «ترجمه و ایجاد آثار اقتباسی خوب است و سبب آشنایی با شیوه‌های تازه می‌شود، اما این مسئله باید سبب رشد تئاتر و تالیف شود. من از تمام افرادی که در

عسل عباسیان: فیلم‌ها هم مثل آدم‌ها پیر می‌شوند، کم‌کم ازکارافتاده می‌شوند و یک روز می‌میرند؛ نگاتیوها و پوزیتیوها و سلولوئیدها، حتی با فراهم‌کردن شرایط خاصی که برای نگهداری‌شان لازم است، ماندگاری ابدی ندارند و پس از اینکه عمرشان سپری شد، غیرقابل‌استفاده می‌شوند و مرگشان فرامی‌رسد. اما چطور می‌توان گنجینه سینمایی یک کشور را همچون دیگر گنجینه‌های هنر و فرهنگش حفظ کرد تا با مرگ نگاتیوها و پوزیتیوها، بخشی از تاریخ هم نماند؟ «کامران شیردل»، مستندساز پیش‌کنسوتی که تلاش کرده‌ایم تا با فراهم‌آوردن شرایط استاندارد و مطلوب، عمر نگاتیوها را طولانی‌تر کنیم و مرگشان را به تعویق بیندازیم اما به‌هرحال اگر روزی رقم آخر ملی ایران احیا شد، به‌همراه دیگر اهالی هنر، برخیزند و مردم را متوجه اهمیت حفظ این سرمایه‌های ملی کنند. سال‌ها، سال، ما و همکاری‌انمان در فیلمخانه تلاش کرده‌ایم تا با فراهم‌آوردن شرایط استاندارد و مطلوب، عمر نگاتیوها را طولانی‌تر کنیم و مرگشان را به تعویق بیندازیم اما به‌هرحال اگر روزی رقم آخر سلولوئید را نمی‌توان برای همیشه نگه داشت چون شرایط نگهداری خاصی لازم دارد، من هم یک زمانی طی توافق، همه نگاتیوهایم را به وزارت ارشاد دادم. خوشبختانه حدود سه‌سال پیش نگاتیوهای «اون شب که بارون اومد» او، اولین فیلم ایرانی بود که به کمک تکنولوژی روز احیا شد، درباره وضعیت فیلم‌های خودش می‌گوید: «نگاتیو و پوزیتیو و فیلم‌لنووید را نمی‌توان برای همیشه نگه داشت چون شرایط نگهداری خاصی لازم دارد، من هم یک زمانی طی توافقی، همه نگاتیوهایم را به وزارت ارشاد دادم. خوشبختانه حدود سه‌سال پیش نگاتیوهای «اون شب که بارون اومد» که در حال خرابی بود، بازسازی شد و نجات پیدا کرد. نگاتیو «ایینه‌ها» در مدرسه سینمای ایران رم نگهداری می‌شود و از وضعیت آن بی‌خبرم. «یوم سیمین» اولین فیلمی بود که به سفارش وزارت فرهنگ ساختم و نگاتیوش در فیلمخانه ملی ایران نگهداری می‌شود که اگر احیا نشود، آن هم به‌زودی دچار مشکل خواهد شد. اما احیای نگاتیوها، بودجه کلانی می‌خواهد که شاید دولت از پس پرداخت آن برنماید. به‌هرحال، نگاتیوهای به‌تدریج از بین می‌روند، انکار که سرطان بگیرند، نقره فیلم از بین می‌رود و فیلم می‌میرد. اما تا‌به‌حال خیلی از فیلم‌های تاریخ سینما، نجات پیدا کرده‌اند. نگاتیوها پس از اینکه عمری را طی می‌کنند، باید مرتب چک شوند. گذر عمر برای آنها هم مثل پیرشدن آدمیان است، باید مدام مثل فردی پیر سلامشان چک شود. باید جای درستی قرار بگیرند و دمای مشخصی داشته باشند. اتفاقی که برای «اون شب که بارون اومد» افتاد، این بود که همان سال ۱۳۴۶ موقعی که فیلم ساخته شد، ظهورش درست صورت نگرفته بود و در طول زمان، نگاتیوها لطمه خوردند، تا دو، سه سال پیش که توسط فیلمخانه ملی ایران و با همکاری شرکت آریا احیا شد.»

شیردل با یادآوری اتفاقی که اسکورسوزی با احیای فیلم‌ها در هالیوود رقم زد، می‌گوید: «با احیای نگاتیو فیلم‌ها در هالیوود و فروش دوباره فیلم‌ها کم‌دی قدیمی، چرخه اقتصادی هالیوود رونق دوباره گرفت. درواقع سرمایه‌ای که صرف احیای فیلم‌ها شد، بازگردانده شد. امروز در ایران هم به‌عنوان یک پیشنهاد به اهالی فرهنگ و هنردستانی که دغدغه حفظ سرمایه‌های ملی را دارند، می‌توان این را مطرح کرد که به‌جای تهیه فیلم‌های تازه، یا در کنار سرمایه‌گذاری برای تولیدات تازه سینمایی، بخشی از سرمایه‌شان را به احیای فیلم‌های تاریخ سینمای ایران معطوف کنند تا این گنجینه هنری برای آیندگان حفظ شود. چندوقت پیش پرویز کیمیایی را در پاریس دیدم و از وضعیت فیلم‌هایش (که در تلوزیون نگهداری می‌شود) بی‌خبر و نگران سرنوشت آنها بود. این نگرانی از جانب یک فیلم‌ساز کاملاً بجاست، چون اگر به نگاتیوها رسیدگی به‌موقع نشود، بی‌آنکه کسی حتی باخبر شود، می‌میرند.»
محمدحسن خوشنویس، که پیش از لادن طاهری، مدیریت فیلمخانه ملی ایران را برعهده داشته، درباره هزینه‌بربودن پروژه احیای فیلم‌ها به «شرق» می‌گوید: «هزینه احیای فیلم‌ها به‌قدری بالاست که دولت از پرداخت آن ناتوان است و بعید به نظر می‌رسد تا ۵۰ سال دیگر هم بتواند برای این وضعیت کاری کند. باید بانک‌ها و انجمن‌های حامی میراث فرهنگی ایران، مردم علاقه‌مند به هنر و نهادهای فرهنگی به این پروژه کمک کنند. حتی خارج از ایران هم، دولت‌ها از پس هزینه گزاف احیای فیلم‌ها بر نمی‌آیند و در اغلب موارد با کمک‌های مردمی، این اتفاق می‌افتد.»
مدیر سابق فیلمخانه ملی ایران درباره پیش‌نیازهای به‌راه‌افتادن چرخه احیا فیلم‌ها توضیح می‌دهد:

این حوزه فعالیت می‌کنند، خواهش می‌کنم تلاش کنند متن‌های مکتوب بیشتری را ایجاد کنند. باز هم می‌گویم که بیان این مسئله، به معنای مخالفت با ترجمه نیست. سینما و تئاتر ما باید شکل اصیل ایرانی پیدا کند و فیلم‌ها و تئاترهایی که تولید می‌کنیم براساس متن‌های کاملاً ایرانی باشد. چنین آثاری قابلیت اجراشدن و ترجمه‌شدن به زبان‌های دیگر و در سایر کشورها را دارند. سینمای ما از چنین موفقیت‌هایی برخوردار بوده است. چرا تئاتر باید از آن مستثنا باشد؟ شاید دشواری‌هایی وجود داشته باشد، اما در بسیاری از مواقع چنین محدودیت‌هایی سبب ایجاد رشد در ما می‌شود». در پایان این مراسم، زنگ افتتاح نمایش «برنارد، مرده است» توسط ناصر تقوایی و همسرش مرضیه وفامهر نواخته شد و هنرمندان پوستر نمایش را امضا کردند. نمایش «برنارد، مرده است» نوشته مشهود محسنیان و کارگردانی علی سربای از ۱۲ آبان تا ۱۱ آذرماه ساعت ۲۰ در سالن استاد ناظرزاده مجموعه ایرانشهر روی صحنه می‌رود. مرتضی اسماعیل‌کاشی، بهناز جعفری، مارال بنی‌آدم، علی سربای و عاطفه رضوی بازیگران این نمایش هستند.

گفت‌وگوی «شرق» با شیردل، بهارلو و خوشنویس

مرگ نگاتیو، مرگ سینماست



«باید بخش خصوصی را درگیر اهمیت این موضوع کرد تا برای این موضوع هزینه کنند. باید به کمک خود هنرمندان و سینماگران، جرانی در جامعه به راه بیفتد. همان‌طور که مردم دغدغه میراث باستانی و تاریخی را دارند، باید آنها را درگیر دغدغه حفظ میراث سینمایی نیز کرد. باید سینماگرانی همچون خود آقای شیردل و مهرجویی که فیلم‌هایشان اخیراً توسط فیلمخانه ملی ایران احیا شد، به‌همراه دیگر اهالی هنر، برخیزند و مردم را متوجه اهمیت حفظ این سرمایه‌های ملی کنند. سال‌ها، سال، ما و همکاری‌انمان در فیلمخانه تلاش کرده‌ایم تا با فراهم‌آوردن شرایط استاندارد و مطلوب، عمر نگاتیوها را طولانی‌تر کنیم و مرگشان را به تعویق بیندازیم اما به‌هرحال اگر روزی رقم آخر ملی ایران احیا شد، به‌همراه دیگر اهالی هنر، برخیزند و مردم را متوجه اهمیت حفظ این سرمایه‌های ملی کنند. سال‌ها، سال، ما و همکاری‌انمان در فیلمخانه تلاش کرده‌ایم تا با فراهم‌آوردن شرایط استاندارد و مطلوب، عمر نگاتیوها را طولانی‌تر کنیم و مرگشان را به تعویق بیندازیم اما به‌هرحال اگر روزی رقم آخر سلولوئید را نمی‌توان برای همیشه نگه داشت چون شرایط نگهداری خاصی لازم دارد، من هم یک زمانی طی توافقی، همه نگاتیوهایم را به وزارت ارشاد دادم. خوشبختانه حدود سه‌سال پیش نگاتیوهای «اون شب که بارون اومد» که در حال خرابی بود، بازسازی شد و نجات پیدا کرد. نگاتیو «ایینه‌ها» در مدرسه سینمای ایران رم نگهداری می‌شود و از وضعیت آن بی‌خبرم. «یوم سیمین» اولین فیلمی بود که به سفارش وزارت فرهنگ ساختم و نگاتیوش در فیلمخانه ملی ایران نگهداری می‌شود که اگر احیا نشود، آن هم به‌زودی دچار مشکل خواهد شد. اما احیای نگاتیوها، بودجه کلانی می‌خواهد که شاید دولت از پس پرداخت آن برنماید. به‌هرحال، نگاتیوهای به‌تدریج از بین می‌روند، انکار که سرطان بگیرند، نقره فیلم از بین می‌رود و فیلم می‌میرد. اما تا‌به‌حال خیلی از فیلم‌های تاریخ سینما، نجات پیدا کرده‌اند. نگاتیوها پس از اینکه عمری را طی می‌کنند، باید مرتب چک شوند. گذر عمر برای آنها هم مثل پیرشدن آدمیان است، باید مدام مثل فردی پیر سلامشان چک شود. باید جای درستی قرار بگیرند و دمای مشخصی داشته باشند. اتفاقی که برای «اون شب که بارون اومد» افتاد، این بود که همان سال ۱۳۴۶ موقعی که فیلم ساخته شد، ظهورش درست صورت نگرفته بود و در طول زمان، نگاتیوها لطمه خوردند، تا دو، سه سال پیش که توسط فیلمخانه ملی ایران و با همکاری شرکت آریا احیا شد.»

شیردل با یادآوری اتفاقی که اسکورسوزی با احیای فیلم‌ها در هالیوود رقم زد، می‌گوید: «با احیای نگاتیو فیلم‌ها در هالیوود و فروش دوباره فیلم‌ها کم‌دی قدیمی، چرخه اقتصادی هالیوود رونق دوباره گرفت. درواقع سرمایه‌ای که صرف احیای فیلم‌ها شد، بازگردانده شد. امروز در ایران هم به‌عنوان یک پیشنهاد به اهالی فرهنگ و هنردستانی که دغدغه حفظ سرمایه‌های ملی را دارند، می‌توان این را مطرح کرد که به‌جای تهیه فیلم‌های تازه، یا در کنار سرمایه‌گذاری برای تولیدات تازه سینمایی، بخشی از سرمایه‌شان را به احیای فیلم‌های تاریخ سینمای ایران معطوف کنند تا این گنجینه هنری برای آیندگان حفظ شود. چندوقت پیش پرویز کیمیایی را در پاریس دیدم و از وضعیت فیلم‌هایش (که در تلوزیون نگهداری می‌شود) بی‌خبر و نگران سرنوشت آنها بود. این نگرانی از جانب یک فیلم‌ساز کاملاً بجاست، چون اگر به نگاتیوها رسیدگی به‌موقع نشود، بی‌آنکه کسی حتی باخبر شود، می‌میرند.»
محمدحسن خوشنویس، که پیش از لادن طاهری، مدیریت فیلمخانه ملی ایران را برعهده داشته، درباره هزینه‌بربودن پروژه احیای فیلم‌ها به «شرق» می‌گوید: «هزینه احیای فیلم‌ها به‌قدری بالاست که دولت از پرداخت آن ناتوان است و بعید به نظر می‌رسد تا ۵۰ سال دیگر هم بتواند برای این وضعیت کاری کند. باید بانک‌ها و انجمن‌های حامی میراث فرهنگی ایران، مردم علاقه‌مند به هنر و نهادهای فرهنگی به این پروژه کمک کنند. حتی خارج از ایران هم، دولت‌ها از پس هزینه گزاف احیای فیلم‌ها بر نمی‌آیند و در اغلب موارد با کمک‌های مردمی، این اتفاق می‌افتد.»
مدیر سابق فیلمخانه ملی ایران درباره پیش‌نیازهای به‌راه‌افتادن چرخه احیا فیلم‌ها توضیح می‌دهد:

خبرسازان

علی ضیاء ممنوع تصویرشد



● شرق: ممنوع تصویر بیری مجری دیگری در رسانه ملی خبرساز شد؛ اتفاقی که هر چندوقعت یک‌بار گریبانگیر مجریان سیما می‌شود و هر یک نیز به دلیلی از آنتن سیما کنار می‌روند و این‌بار علی ضیاء، مجری جوان تلوزیون، باید تا مدتی از آنتن سیما خداحافظی کند. ضیاء که در این سال‌ها با اجرای برنامه یوتیمین۳ در شبکه سوم سیما توانست مخاطبان بسیاری را به خود همراه کند، با اجرای تاکشوهای «بعضیاء» و «امشب» در یک‌سال گذشته در شبکه اول سیما به فعالیتش ادامه داد. پس از بازگشت از سفر حج، طبق اعلام مدیران شبکه اول سیما قرار شد پخش برنامه «امشب» با اجرای سیدعلی ضیاء از سر گرفته شود. اما اتفاقی غیرمنتظره تمامی معادلات را برهم زد. علی ضیاء به‌همراه طرفداران هر دو تیم استقلال و پرسپولیس در مکانی عمومی دورهم برای دیدن بازی فوتبال جمع شدند و دراین‌میان کسی در جمع، فیلمی از حال‌وهوای آنجا منتشر می‌کند و علی ضیاء نیز در این فیلم همراه با دیگران شعاری می‌دهد که باعث دلخوری طرفداران تیم استقلال و پرویز مظلومی، سرمربی تیم استقلال، می‌شود. علی ضیاء بعد از این ماجرا عذرخواهی کرد. او در پست اینستاگرام خود خطاب به طرفداران تیم استقلال نوشت: تا حالا توی هیچ موضوعی و به هیچ‌کسی و هیچ‌وقت من بی‌ادبی نکرده‌ام. اتفاقی که توی بازی افتاد، از هیجان زیاد بود و البته کار اشتباهی هم بود. با آقای مظلومی حرف می‌زنم و امروز ضیاء، شامگاه سه‌شنبه نیز به هتل المپیک، محل اقامت آبی‌پوشان رفت و رسماً از پرویز مظلومی عذرخواهی کرد. او با یک دسته‌گل آبی به سمت سرمربی استقلال رفت و ضمن عذرخواهی از مظلومی به او گفت تحت‌تاثیر جو قرار گرفته بوده و قصدش بی‌احترامی نبوده است. مظلومی هم با پذیرفتن عذرخواهی وی گفت می‌داند او جوان است و از حق خود در این زمینه گذشت کرده است. اما دراین‌میان بیش از شعار علی ضیاء در فیلم و دلخوری طرفداران تیم استقلال، خبر حضور او در مکانی مختلط، حواشی این رویداد را تندر کرد؛ محلی که خانواده ضیاء نیز در آن حضور داشتند و در گفت‌وگو با «شرق» تأکید کردند که برگزاری مجلس مختلط با اعتقادات آنها همسو نیست و هرگونه شایعه‌ای را تکذیب کرده‌اند. با همه اینها ظاهراً عذرخواهی‌های علی ضیاء کافی نبود و در میان حواشی مربوط به ممنوع‌التصویری ضیاء به دلیل این اتفاق، معاون سیما این خبر را تأیید و اعلام کرد که پرونده این مجری در کمیته انضباطی مجریان صداوسیما مطرح شده تا بررسی شود و پس از بررسی موضوع مشخص می‌شود که تا چه زمان ممنوع‌التصویر خواهد بود. ظاهراً پخش برنامه «امشب» از شبکه اول سیما قطعی است اما با مجری دیگری که هنوز نامش مشخص نیست. اما چیزی که دراین‌میان حقیقت‌شکیم است، ستاره‌سوزی سیما با حذف مجریانی است که سال‌ها برای تربیت آنها و جذب مخاطبانش تلاش کرده‌اند و به‌نوعی سرمایه‌های رسانه ملی محسوب می‌شوند. هنوز مشخص نیست که رسانه ملی چه آینده‌ای را برای مجری جوانش در نظر گرفته است.

پایان مرمت تالار اصلی تئاترشهر

● مدیر پروژه بازسازی تئاترشهر از اتمام مرمت پیشانی صحنه سالن اصلی این مجموعه و نصب سازه موقت خبر داد. مدیر دفتر طرح‌های عمرانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با تأیید خبر نصب سازه موقت گفت: تمامی امور مورد نیاز برای نصب دکور نمایش «ترو» انجام شده و امنیت سازه پیشانی سن سالن اصلی تئاترشهر کاملاً تأمین است. گروه بازسازی امروز داربست‌ها را جمع‌آوری می‌کنند و وسایل بعدازظهر به گروه تحویل داده می‌شود. او افزود: تمام موارد خطرآفرین از سقف صحنه سالن اصلی جمع‌آوری شده و سازه موقت امکان نصب دکور گروه‌های نمایشی متقاضی را فراهم می‌کند. سازه به‌گونه‌ای طراحی شده که شرایط میزبانی از گروه‌های نمایشی شرکت‌کننده در جشنواره تئاتر فجر برای صحنه سالن اصلی مجموعه مهیا باشد. بخشی از سازه فلزی صحنه سالن اصلی مجموعه تئاترشهر به دلیل فرسودگی بکسل‌های مهارکننده در روزهای پایانی مهرماه فروپخت. بازسازی مجموعه تئاترشهر از سال گذشته آغاز شده و همچنین ادامه دارد اما طولانی‌شدن روند بازسازی نگرانی‌هایی را در میان اهالی هنرهای نمایشی به وجود آورده است. مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کمبود منابع مالی را دلیل کندی فعالیت‌ها عنوان می‌کنند. این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که بودجه اولیه بازسازی مجموعه تئاترشهر ۱۲ میلیارد تومان اعلام شد اما مسئولان از اختصاص حدود سه میلیارد تومان تا امروز سخن می‌گویند.